

تاریخ‌نگاری ما

گرچه نقد و کاربرد نگاه انتقادی، از ضرورت‌های پیشرفت و رشد نظریه‌ها و علوم است اما به این اعتبار که تاریخ را مادر علوم و دانش دانسته‌اند- و این البته حرف درستی است؛ چرا که هیچ دانشی صرف‌نظر از تاریخ، خود قادر به پویا نیست- نقد تاریخ و تاریخ‌نگاری از اهمیت دوچندانی برخوردار است...



گرچه نقد و کاربرد نگاه انتقادی، از ضرورت‌های پیشرفت و رشد نظریه‌ها و علوم است اما به این اعتبار که تاریخ را مادر علوم و دانش دانسته‌اند- و این البته حرف درستی است؛ چرا که هیچ دانشی صرف‌نظر از تاریخ، خود قادر به پویا نیست- نقد تاریخ و تاریخ‌نگاری از اهمیت دوچندانی برخوردار است.

اما در این میان نقد شیوه‌های مرسوم تاریخ‌نگاری، می‌تواند نگاه‌های متفاوت تاریخی را به یک واقعیت یا یک تحول تاریخی آشکار کند و امکان پیدایی لایه‌های تحلیلی متفاوتی را نسبت به آنها فراهم سازد.

این همه اما نیست، مگر شناخت دقیق‌تر گذشته، اکنون و حرکت سنجیده‌تر و کم‌خط‌تر- نه بی‌خط- به سوی افق‌های آینده. با این حال، تردیدی نیست که واقعیت‌های تاریخی چون از صافی ذهن تاریخ‌نگار می‌گذرند و این احتمال قوی وجود دارد که رنگ و بوی ذهنیت و جهان متن راوی را به خود بگیرند، نیازمند نقد و واکاوی بیشتری هستند. اخیراً نیز رهبری انقلاب در سخنانی بر ضرورت نقد تاریخ‌نگاری و گوشزد به اهمیت تاریخی خوانی تأکید داشته‌اند. بر همین اساس به سراغ عباس سلیمی نمین- پژوهشگر تاریخ و رئیس دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران- رفتیم و با وی درباره ضرورت نقد شیوه‌ها و نگاه‌های تاریخ‌نگاری در حوزه تاریخ انقلاب اسلامی به گفت‌وگو نشستیم.

نقد تاریخ‌نگاری و شیوه‌های تاریخ‌نویسی، مهم‌ترین فایده‌ای که در بر دارد، کمک به شناخت دقیق‌تر تحولات و بسترهای اجتماعی و فرهنگی گذشته و حال و نیز حرکت سنجیده‌تر بر مبنای آن (شناخت) به سمت آینده است. به عبارتی، نقد تاریخ‌نگاری برای شناخت گذشته، اکنون و ترسیم آینده‌ای بهتر است. تردیدی نیست که لازمه این نقد، آزاداندیشی و پرهیز از سویه‌های تفکر ایدئولوژیک در ارتباط با تاریخ است؛ به این معنا که باید تاریخ را به‌سان کلیتی همه‌جانبه و عصاره تجربه یک دوره دانست. بر این اساس، تاریخ بیش از هر پدیده‌ای نگاه‌های پدیدارشناسانه می‌جوید. در اینجا از شما می‌خواهیم که دیدگاه خودتان را در ارتباط با نقد تاریخ‌نگاری به‌ویژه 171#&؛ نقد تاریخ‌نگاری انقلاب؛ و ارزیابی خودتان از آن بیان کنید؟

بسیار خوب است که پس از گذشت 3 دهه از پیروزی ملت ایران بر استبداد داخلی و سلطه خارجی، به آنچه در عرصه تدوین حوادثی که در چارچوب این حرکت عظیم صورت گرفت بپردازیم و آسیب‌شناسی کنیم؛ یعنی توجه به این مهم که آیا توانسته‌ایم در خور این تحول عظیم، تاریخ‌نگاری مناسبی صورت بدهیم، امری است بسیار ضروری. وقتی که توجه می‌کنیم به آنچه در این زمینه صورت گرفته، احساس نگرانی یا تلخی به ما دست می‌دهد؛ چرا که ملت ایران در این تحول بزرگ حادثه عظیمی را آفرید که برای ثبت این رخداد استثنایی علی‌القاعده باید تلاش درخوری صورت بگیرد. از این‌رو معتقدم که هیچ سنخیتی بین آنچه به‌عنوان تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی صورت گرفته با خود این تحول عظیم وجود ندارد.

نه‌تنها هیچ سنخیتی بین آنچه صورت گرفته با آن تحول بزرگ مشاهده نمی‌شود بلکه بسیار پرکاستی و بعضاً الکن است. انقلاب اسلامی ایران تحولاتی را در داخل ایران و تحولاتی را در سطح منطقه (جهان اسلام) و تحولاتی را هم در سطح بین‌الملل باعث شد هر سه این تأثیرات دشمنی‌های جدی‌ای را برانگیخت. هرکدام این موارد، تبعاتی را در جهان معاصر رقم زد و این تبعات برای کشورهای که از شرایط قبل از انقلاب اسلامی بیشتری بهره را می‌بردند، بسیار نامطلوب بود. انقلاب اسلامی به‌عنوان یک تحول فکری، هرگز در ظرف مکان و زمان نمی‌گنجد. در مکان، یعنی صرفاً یک فکر برای ملت ایران نبود؛ فرمولی بود برای دستیابی به استقلال و نیز (دستیابی) به حریت و شأن ملت‌هایی که تحقیر شده بودند.

بنابراین سرمایه‌گذاری در مورد تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی از جانب دشمنانش به‌مراتب بیشتر از دوستانش صورت گرفت؛ چرا که آنها وقتی از بیرون به انقلاب اسلامی می‌نگریستند، متوجه تبعات آن برای مصالح و منافع خودشان- حتی در درازمدت- بودند؛ از این‌رو برای آنکه بتوانند ارتباط میان آنچه را در ایران صورت گرفته با ملت‌های کنونی و آینده در جهان، از طریق این رخداد تنظیم کنند و در آن به نفع خویش تأثیرگذاری داشته باشند، دست به تاریخ‌نگاری وسیعی زدند؛ از این‌رو مؤسسه‌هایی که آمریکایی‌ها، انگلیسی‌ها و صهیونیست‌ها برای تدوین تاریخ انقلاب اسلامی از همان سال 59 و به‌ویژه 60 به بعد ایجاد کردند، شگفت‌انگیز است. بر این اساس بود که تاریخ شفاهی هاروارد، زیر نظر سازمان 171#&؛ سیا؛ تشکیل شد و برخی ایرانیانی را که از ایران گریخته بودند، به خدمت گرفتند، برای آنکه بتوانند تاریخ‌نگاری را به دلخواه خود پیش ببرند. بنابراین وقتی به تاریخ‌نگاری داخلی در ارتباط با انقلاب اسلامی نگاه می‌کنیم، آن را بسیار ناچیز در برابر تاریخ‌نگاری آنها در مورد انقلاب اسلامی می‌یابیم.

می‌خواهیم از جنبه‌ای دیگر به توجه مؤسسات خارجی به تاریخ‌نگاری بنگریم. ببینید! به هر حال انقلابی در آغاز عصر الکترونیک در گوشه‌ای از جهان (ایران) رخ داده که به‌ظاهر خارج از تحلیل‌ها و علت‌یابی‌های مرسوم در مورد انقلاب‌های کلاسیک و جدیدتر بوده است. بنابراین طبیعی است که پژوهشگران و مؤسساتی برای فهم این پدیده دست به کار شوند؛ همانگونه که دیده‌ایم، اسکاچپول،

فوکو، فردهالیدی و دیگران در این خصوص کتاب‌ها و تحلیل‌ها نوشتند. یا در مورد ایرانیانی که به هر دلیل از ایران رفته بودند، آنها هم در بررسی این پدیده به نوعی بخشی از هویت معاصر خود را در ارتباط با آن می‌بینند و مشتاق تحلیل آن بوده‌اند. دیده‌ام که شما در مؤسسه‌تان خلاصه آثار تاریخ‌نگاری آن سوی آب را چاپ می‌کنید و در کنارش نقد آنها را هم می‌نویسید- که البته کار مفیدی است- و این، خود نشان از یک گفت‌وگوی پنهان دارد. آیا به نظر شما بهتر نیست این گفت‌وگو مابین تاریخ‌نگاران داخلی و خارجی آشکارا تقویت شود؟

2 مسئله در فحوای پرسش شما نهفته است؛ یکی کارهای پژوهشی‌ای است که در ارتباط با انقلاب اسلامی صورت گرفته و دیگری، ثبت و ضبط روایت‌ها و حتی هدایت روایت‌گری‌ها در مورد زمینه پیدایش انقلاب اسلامی است. بله! مؤسسات فراوانی در انگلیس، رژیم صهیونیستی، آمریکا و سایر کشورهای اروپایی شکل گرفت برای شناخت پدیده انقلاب اسلامی. مطالب این دسته مؤسسات، خیلی به بیرون منعکس نشد. هدف این دسته از مؤسسات بیشتر بسط شناخت خودشان از پدیده‌ای بود که آنها را دچار درماندگی کرده بود. تنها بنیادی در رژیم صهیونیستی سال‌ها قبل کنفرانسی درباره انقلاب اسلامی برگزار کرد که مقالات عرضه‌شده در آن را در 2 جلد چاپ کرد و ما حتی در این مورد، شاهد انتشار جمع‌بندی در مورد نظرات مطرح‌شده در آن کنفرانس نبودیم. جمع‌بندی‌ها را بیشتر برای کاربرد درون‌سازمانی نگه می‌داشتند.

بنابراین باید بین کارهای علمی‌ای که پس از انقلاب برای شناخت این پدیده توسط پژوهشگران صورت گرفت و کارهای مؤسسات تاریخ‌نگاری، تفاوت قائل شد. به‌نظم بیگانگانی که از وقوع انقلاب اسلامی دچار حیرت شده بودند، از آن درس‌های جدی زیادی گرفتند. مثلا همین بحث #171 جنگ نرم؛ را آنها از انقلاب اسلامی فراگرفتند. #171 جنگ نرم؛ یعنی انجام یک کار فکری در جامعه و بنیان‌های آن (جامعه) را تغییر دادن و هدف‌گذاری براساس یک کار فکری در جامعه. این پدیده‌ای بود که در درون انقلاب اسلامی رخ داد. انقلاب اسلامی اساس خود را بر این قرار داد که به تدریج تحول را در باورهای انسان‌ها ایجاد کند و به آنها شأن فکری بدهد. این یعنی، حرکت نرمی که وقتی آمریکایی‌ها بر ما حاکم بودند، متوجه آن نشده بودند. ایجاد تحول فکری در انسان‌ها، برای غربی‌ها ناشناخته بود، لذا به کارهای پژوهشی در این راستا روی آوردند. از این رو، بیان من متوجه عرصه‌های تاریخ‌نگاری‌ای بود که- با توجه به آنچه گفته شد- با نگاهی هدفمند در جهت قلب واقعیت و جعل تاریخ حرکت می‌کنند.

در مورد تاریخ‌نگارانی چون آبراهامیان، علی رهنما، جلال متینی، میلانی، توکلی طرقي، میرسیاسی، آجودانی و... که آثاری را در این باره نگاشته‌اند یا کتاب‌هایی که براساس خاطرات شفاهی ایرانیان در مورد انقلاب اسلامی و تاریخ معاصر ایران تالیف و تدوین شده، چه نظری دارید؟

هم‌اکنون مؤسساتی در غرب وجود دارند که پژوهشگران را با امکانات مادی خوب در اختیار می‌گیرند و اسنادی را هم در اختیار آنها می‌گذارند و با جهت‌گیری خاص خود، آنها را به سمت پژوهش‌های تاریخی سوق می‌دهند. قطعا فردی مثل عباس میلانی، امکاناتی در اختیارش گذاشته شده تا بتواند آقای هویدا را تطهیر کند. در آنجا حاضرند به فردی مثل عباس میلانی 5 سال پول پرداخت کنند تا او کتاب خودش را بنویسد؛ اما در داخل کشور این سرمایه‌گذاری را شاهد نیستیم و اصلا اعتقادی به ضرورت این کارها نداریم. به نظر شما چرا این فکر وجود ندارد؟ آیا به این دلیل نیست که ما از قبل نسبت به موضوعات و شخصیت‌های تاریخی حکم صادر کرده‌ایم و تکلیف آنها را پیشاپیش برای خودمان مشخص کرده‌ایم؟

در بررسی، تحلیل و چرایی این امر، به آسیب‌شناسی تاریخ‌نگاری و علت‌های آن می‌رسیم. یکی از دلایل این مسئله چیزی است که شما به آن اشاره کردید. ببینید! یکی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی مشارکت 90 درصد مردم در این تحول بزرگ بود؛ از این رو، وقتی آسیب‌شناسی می‌کنیم، می‌بینیم که اولین مسئله‌ای که سبب بی‌توجهی به تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی می‌شود، این نظر است که همه که در جریان رخداد انقلاب شرکت داشته‌اند، پس چه نیازی به روایت آن هست؟ اولین نکته این است که می‌گوییم، این رخداد امری بسته نبود؛ وسعت وقوع آن به حدی بوده که این تصور را در ما ایجاد کرده که حالا آن را برای چه کسی روایت کنیم؟ حتی اگر این تصور باشد که همه در این حادثه شرکت داشته‌اند، در انقلاب اسلامی سرعت تحولات به نوعی است که امکان هضم آنها نیست. در انقلاب اسلامی رخدادهای فشرده و زیادی اتفاق افتاد که امروزه نیازمند تحلیل و بررسی است؛ اما در این زمینه هیچ حرکتی مشاهده نمی‌شود.

به نکته خوبی اشاره کردید. اتفاقا در حوزه تاریخ‌نگاری روایی انقلاب کمابیش کارهایی صورت گرفته است اما در زمینه تحلیل اندیشه‌ای تاریخ انقلاب سطح کارها خیلی پایین است؛ حال آنکه انتظار می‌رود با توجه به مؤسسات تاریخی فراوانی که در این چندساله پس از انقلاب بنیان گذاشته شده‌اند، این کار صورت مشخص‌تری به خود بگیرد.

درست است که چندین مؤسسه تاریخ‌نگاری پس از انقلاب در ایران دایر شده‌اند اما خوب است که برای نمونه بدانید همین مرکز اسناد انقلاب اسلامی که مؤسسه‌ای دولتی است که وضعیتش از همه بهتر است، اگر چلوکباب‌فروشی نکند نمی‌تواند خود را اداره کند؛ به این معنا که به این مؤسسه یک رستوران داده‌اند تا از قبل اداره آن، بتواند خود را به لحاظ مالی تأمین کند. این نشان می‌دهد که ما آن نگاه عمیق را به تاریخ نداریم.

شما خود می‌دانید مؤسسه‌ای که در پی آن باشد که از طریق چلوکبابی سودی به دست آورد تا چند تا کتابش را چاپ کند، چه تأثیرات سویی بر محتوای کتاب‌ها خواهد گذاشت. تازه در کنار این مسئله به مشکلات دیگری که همین مؤسسه با آن روبه‌روست، یعنی مشکل جا، باید اشاره کرد. من چند وقت پیش، در آنکارا سخنرانی داشتم. در آنجا از بنیاد تاریخ ترکیه بازدید کردم. این بنیاد ساختمان بسیار عظیمی است که در چندین طبقه کتاب‌های تاریخی را در بر دارد؛ حال آنکه ما در سطح تهران یک کتابخانه تخصصی تاریخی نداریم.

اگر بخواهید میان وضعیتی که از آن مثال آوردید، یعنی بنیاد تاریخ ترکیه و وضعیت مؤسسات تاریخ‌نگاری ما قائل به مقایسه شوید،

فاصله نگاه مابین آنها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ببینید! آنها (ترکیه‌ای‌ها) مشکلات تاریخی ما و بی‌ثباتی ناشی از آنها را ندارند. آنها یک پیوند جهانی دارند که به آنها در این ثبات‌یابی کمک می‌کند. آنها که مثل ما، اهتمام صهیونیست‌ها را در منفی و مخدوش جلوه دادن تاریخ ما ندارند. نبود مسائلی از این دست در ترکیه سبب سرمایه‌گذاری در حوزه تاریخ شده است؛ حال آنکه وضعیت ما در این حوزه فاجعه‌آمیز است.